

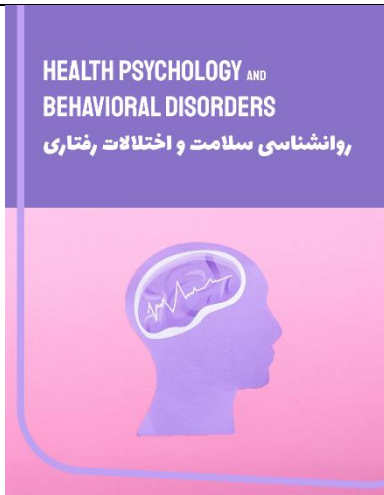
## مدل‌یابی رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گری تنیدگی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تبریز

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱



### چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین برازش یک مدل علی برای تبیین نقش کنترل‌گری و تمایز یافتگی در خشونت همسران با میانجی‌گری تنیدگی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی بود. این مطالعه با طرح توصیفی-همبستگی و با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. نمونه شامل ۲۴۰ زن مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره شهر تبریز در نیمه نخست سال ۱۴۰۲ بود که به روش تصادفی هدفمند انتخاب شدند. ابزارها شامل پرسشنامه خشونت علیه زنان حاج‌یحی، مقیاس رفتارهای کنترلی گراهام-کاون و آرچر، فهرست تمایز یافتگی خود، پرسشنامه تنیدگی روان‌شناختی سیدخراسانی و پرسشنامه بهزیستی معنوی گومز و فیشر بود. تحلیل داده‌ها با SPSS و LISREL انجام گرفت. کنترل‌گری اثر مستقیم و مثبت بر خشونت همسران داشت ( $\beta=0.374, p<0.05$ ) و تمایز یافتگی اثر مستقیم و منفی نشان داد ( $\beta=-0.421, p<0.05$ ). اثر غیرمستقیم کنترل‌گری بر خشونت از طریق تنیدگی روان‌شناختی مثبت و معنادار بود ( $\beta=0.496, p<0.05$ ) و از طریق بهزیستی معنوی منفی و معنادار به دست آمد ( $\beta=-0.508, p<0.05$ ). همچنین، تمایز یافتگی از طریق تنیدگی روان‌شناختی ( $\beta=-0.611, p<0.05$ ) و بهزیستی معنوی ( $\beta=-0.578, p<0.05$ ) به‌طور غیرمستقیم با کاهش خشونت همسران مرتبط بود. شاخص‌های برازش مدل مطلوب گزارش شد (RMSEA=0.043, CFI=0.926). یافته‌ها نشان می‌دهد خشونت زناشویی حاصل برهم‌کنش پیچیده عوامل رفتاری، روان‌شناختی و معنوی است و مداخلات اثربخش باید همزمان بر کاهش کنترل‌گری، ارتقای تمایز یافتگی، مدیریت تنیدگی و تقویت بهزیستی معنوی تمرکز کنند.

**کلیدواژه‌گان:** کنترل‌گری؛ تمایز یافتگی؛ خشونت همسران؛ تنیدگی روان‌شناختی؛ بهزیستی معنوی

فهیمة ترابی صوفیانی<sup>۱</sup>، معصومه آزموده<sup>۲\*</sup>، رضا عبدی<sup>۳</sup>، امیر پناه علی<sup>۴</sup>، جواد مصراবাদ<sup>۵</sup>

۱. گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳. گروه روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۴. گروه روانشناسی و مشاوره، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۵. گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول:

mas\_azemoudeh@iau.ac.ir

**شیوه استناددهی:** ترابی صوفیانی، فهیمة، آزموده، معصومه، عبدی، رضا، پناه علی، امیر، و مصراবাদ، جواد. (۱۴۰۵). مدل‌یابی رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گری تنیدگی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تبریز. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*, ۱۴(۱), ۱۸-۱.

## Modeling the Relationship between Controlling Behaviors and Differentiation with Spousal Violence: The Mediating Roles of Psychological Stress and Spiritual Well-Being in Couples Referring to Counseling Centers in Tabriz

Submit Date: 2025-09-12

Revise Date: 2025-12-10

Accept Date: 2025-12-17

Publish Date: 2026-03-21

### Abstract

This study aimed to test the fit of a causal model explaining spousal violence through controlling behaviors and differentiation, mediated by psychological stress and spiritual well-being. A descriptive–correlational design using structural equation modeling was employed. The sample comprised 240 women experiencing domestic violence who referred to social emergency services and counseling centers in Tabriz during the first half of 2023, selected via purposive random sampling. Measures included the Haj-Yahya Violence Against Women Questionnaire, the Revised Controlling Behaviors Scale, the Differentiation of Self Inventory, the Psychological Stress Questionnaire, and the Spiritual Well-Being Questionnaire. Data were analyzed using SPSS and LISREL. Controlling behaviors had a significant direct positive effect on spousal violence ( $\beta=0.374$ ,  $p<0.05$ ), whereas differentiation showed a significant direct negative effect ( $\beta=-0.421$ ,  $p<0.05$ ). Controlling behaviors exerted a significant indirect positive effect on violence through psychological stress ( $\beta=0.496$ ,  $p<0.05$ ) and a significant indirect negative effect through spiritual well-being ( $\beta=-0.508$ ,  $p<0.05$ ). Differentiation was indirectly associated with reduced spousal violence via psychological stress ( $\beta=-0.611$ ,  $p<0.05$ ) and spiritual well-being ( $\beta=-0.578$ ,  $p<0.05$ ). Model fit indices indicated an acceptable fit (CFI=0.926, RMSEA=0.043). Spousal violence is shaped by intertwined behavioral, psychological, and spiritual mechanisms; therefore, comprehensive interventions should target controlling behaviors, enhance differentiation, reduce psychological stress, and strengthen spiritual well-being.

**Keywords:** *Controlling behaviors; Differentiation; Spousal violence; Psychological stress; Spiritual well-being*

HEALTH PSYCHOLOGY AND  
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



Fahimeh Torabi Soufiani<sup>1</sup>, Masoumeh Azmoodeh<sup>2\*</sup>, Reza Abdi<sup>3</sup>, Amir Panahali<sup>4</sup>, Javad Mesrabadi<sup>5</sup>

1. Department of Psychology, Ta.C. , Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Department of Psychology, Ta.C. , Islamic Azad University, Tabriz, Iran

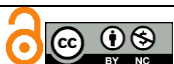
3. Department of Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

4. Department of Psychology and Counseling, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz , Iran

5. Department of Education Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

\*Corresponding Author's Email:  
mas\_azemoodeh@iau.ac.ir

**How to cite:** Torabi Soufiani, F., Azmoodeh, M., Abdi, R., Panahali, A., & Mesrabadi, J. (2026). Modeling the Relationship between Controlling Behaviors and Differentiation with Spousal Violence: The Mediating Roles of Psychological Stress and Spiritual Well-Being in Couples Referring to Counseling Centers in Tabriz. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 4(1), 1-18.



در دهه‌های اخیر، خشونت همسران به‌عنوان یکی از جدی‌ترین مسائل سلامت روان، سلامت خانواده و بهداشت اجتماعی مورد توجه گسترده پژوهشگران، نهادهای بین‌المللی و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. گزارش‌های جهانی نشان می‌دهد که خشونت در روابط صمیمانه پدیده‌ای فراگیر، چندبعدی و وابسته به بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی است و پیامدهای عمیق و پایداری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی افراد بر جای می‌گذارد (World Health Organization, 2019). مطالعات همه‌گیرشناختی جدید حاکی از آن است که درصد قابل توجهی از زنان و مردان در طول زندگی خود تجربه‌ای از خشونت همسران داشته‌اند و این تجربه صرفاً به خشونت فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه اشکالی همچون خشونت روان‌شناختی، اقتصادی، جنسی و به‌ویژه رفتارهای کنترل‌گرایانه را نیز دربرمی‌گیرد (Jud et al., 2023; Saffari et al., 2017). این واقعیت موجب شده است که رویکردهای معاصر از تمرکز صرف بر اعمال خشونت آشکار فاصله گرفته و به بررسی سازوکارهای پنهان‌تر اما پایدارتر خشونت، نظیر کنترل‌گری اجبارگونه، توجه ویژه‌ای نشان دهند.

در این چارچوب، مفهوم کنترل‌گری به‌عنوان هسته مرکزی بسیاری از الگوهای خشونت همسران مطرح شده است. کنترل‌گری به مجموعه‌ای از رفتارها اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها محدودسازی آزادی، استقلال و تصمیم‌گیری شریک زندگی است و می‌تواند از طریق تهدید، انزوا، کنترل اقتصادی، کنترل هیجانی یا بهره‌گیری ابزاری از فرزندان اعمال شود (Scott, 2018; Stark & Hester, 2019). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای کنترل‌گرایانه نه تنها پیش‌بینی‌کننده خشونت فیزیکی هستند، بلکه به‌تنهایی می‌توانند آسیب‌های روان‌شناختی عمیقی ایجاد کنند و کیفیت رابطه زناشویی را به‌طور معناداری کاهش دهند (Bishop & Bettinson, 2018; Sleath et al., 2018). در بافت خانواده، کنترل‌گری اغلب با نابرابری قدرت، نقش‌های جنسیتی سخت‌گیرانه و باورهای فرهنگی خاص درهم‌تنیده می‌شود و زمینه را برای تداوم چرخه خشونت فراهم می‌سازد (Bravo & Silva, 2018; Pourrajab Ravari & Kamiabi, 2017).

یافته‌های پژوهشی متعدد نشان داده‌اند که کنترل‌گری با پیامدهای منفی متعددی در روابط زناشویی همراه است، از جمله کاهش رضایت زناشویی، افزایش تعارض، بی‌ثباتی ازدواج و افت کیفیت رابطه (Hammett et al., 2021; Mabelian et al., 2021). همچنین شواهد تجربی بیانگر آن است که کنترل‌گری می‌تواند به افزایش نشانه‌های اضطراب، افسردگی و فشار روانی در قربانیان منجر شود و آنان را در وضعیت مزمن تنیدگی روان‌شناختی قرار دهد (Gou et al., 2019; Nurhayati et al., 2019). از این منظر، کنترل‌گری نه تنها یک رفتار بین‌فردی مخرب، بلکه عاملی تعیین‌کننده در تضعیف منابع مقابله‌ای و روانی افراد در روابط صمیمانه محسوب می‌شود.

در کنار کنترل‌گری، یکی از سازه‌های کلیدی که در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را در مطالعات خانواده و زوج‌درمانی به خود جلب کرده است، تمایز یافتگی خود است. تمایز یافتگی مفهومی بنیادین در نظریه نظام‌های خانواده بوئن به‌شمار می‌رود و به توانایی فرد در حفظ هویت و انسجام «خود» در عین صمیمیت هیجانی با دیگران اشاره دارد (Willis et al., 2021). افراد با سطح بالای تمایز یافتگی قادرند میان هیجان و شناخت تمایز قائل شوند، واکنش‌پذیری هیجانی کمتری داشته باشند و در شرایط تعارض‌آمیز، رفتارهای سنجیده‌تر و سازگارانه‌تری از خود نشان دهند (Dolz-del-Castellar & Oliver, 2021; Yuan et al., 2022). در مقابل، تمایز یافتگی پایین با هم‌آمیختگی هیجانی، گریز هیجانی و واکنش‌های تکانشی همراه است که می‌تواند زمینه‌ساز تعارض و خشونت در روابط زناشویی شود.

پژوهش‌های متعددی رابطه معنادار میان تمایز یافتگی و کیفیت رابطه زناشویی را تأیید کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که تمایز یافتگی بالاتر با رضایت زناشویی، صمیمیت، سازگاری زناشویی و سلامت روان بیشتر مرتبط است (Baucom et al., 2019; Işık et al., 2020). در مقابل، سطوح پایین تمایز یافتگی به‌عنوان عامل خطر برای بروز تعارض‌های شدید، ناتوانی در مدیریت هیجان‌ها و افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز شناسایی شده است (Haji et al., 2018; Jafarzadeh et al., 2020). همچنین مطالعات مداخله‌ای نشان داده‌اند که تقویت تمایز یافتگی از طریق رویکردهای درمانی مبتنی بر نظریه بوئن می‌تواند به بهبود تعهد زناشویی و کاهش تعارض‌ها کمک کند (Dahaei et al., 2020; Shariat et al., 2021).

یکی از مسیرهای مهمی که از طریق آن کنترل‌گری و تمایز یافتگی می‌توانند بر خشونت همسران اثر بگذارند، تنیدگی روان‌شناختی است. تنیدگی روان‌شناختی به‌عنوان واکنش فرد به فشارهای درونی و بیرونی تعریف می‌شود و شامل ابعاد شناختی، هیجانی، رفتاری و جسمانی است (Bhurtun, 2020). مطالعات نشان می‌دهند که استرس‌های مزمن، به‌ویژه استرس‌های ناشی از روابط صمیمانه، می‌توانند توانایی افراد در تنظیم هیجان و حل تعارض را تضعیف کرده و احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش دهند (Randall & Bodenmann, 2017; Repetti & Wang, 2017). در روابط زناشویی، تنیدگی روان‌شناختی می‌تواند به‌صورت کاهش تعاملات مثبت، افزایش سوءبرداشت‌ها و تشدید تعارض‌ها نمود یابد.

شواهد تجربی بیانگر آن است که رفتارهای کنترل‌گرایانه به‌طور مستقیم با افزایش تنیدگی روان‌شناختی در شریک زندگی مرتبط هستند (Gou et al., 2019). از سوی دیگر، تمایز یافتگی پایین موجب می‌شود افراد در برابر فشارهای بین‌فردی آسیب‌پذیرتر باشند و سطح بالاتری از اضطراب و تنیدگی مزمن را تجربه کنند (Buser et al., 2019; Lähdepuro et al., 2019). این وضعیت می‌تواند به شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب منجر شود که در آن تنیدگی روان‌شناختی، زمینه بروز خشونت را فراهم کرده و خشونت نیز به نوبه خود سطح استرس را تشدید می‌کند.

در کنار عوامل روان‌شناختی، پژوهش‌های معاصر بر نقش منابع معنوی و وجودی در کیفیت روابط زناشویی تأکید فزاینده‌ای دارند. بهزیستی معنوی مفهومی چندبعدی است که احساس معنا، هدف، ارتباط با خود، دیگران و امر متعالی را دربرمی‌گیرد و به‌عنوان منبعی مهم برای مقابله با فشارهای زندگی شناخته می‌شود (Aghili & Zahedi, 2020). مطالعات نشان داده‌اند که بهزیستی معنوی بالاتر با رضایت زناشویی، سازگاری زوجین و کاهش تعارض مرتبط است (Rajabi et al., 2017; Seifi & Taghavi, 2019). همچنین شواهد حاکی از آن است که معنویت و دینداری می‌توانند نقش محافظتی در برابر خشونت همسران ایفا کنند و از شدت و تداوم آن بکاهند (Bedir Akpınarlı & Eryücel, 2024; Ramadhina et al., 2023).

بهزیستی معنوی می‌تواند از طریق افزایش تاب‌آوری، امید و معنابخشی به تجربه‌های دشوار، اثرات منفی تنیدگی روان‌شناختی را تعدیل کند (Provencio & McElroy-Heltzel, 2024; Williamson, 2024). در روابط زناشویی، زوجینی که از سطح بالاتری از بهزیستی معنوی برخوردارند، معمولاً راهبردهای سازگارانه‌تری برای حل تعارض به کار می‌گیرند و کمتر به رفتارهای پرخاشگرانه یا کنترل‌گرایانه متوسل می‌شوند (Hayati et al., 2025). از سوی دیگر، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که کنترل‌گری می‌تواند به تضعیف بهزیستی معنوی منجر شود، زیرا کنترل افراطی با پذیرش، رهاسازی و اعتماد که از مؤلفه‌های کلیدی معنویت هستند، در تعارض قرار دارد (Mortezaei & Rezazadeh, 2020).

رابطه میان تمایز یافتگی و بهزیستی معنوی نیز در پژوهش‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد افرادی که از تمایز یافتگی بالاتری برخوردارند، معمولاً درک منسجم‌تری از معنا و هدف زندگی دارند و از بهزیستی معنوی بیشتری بهره‌مند هستند (Rafezi & Sabouri, 2022; Sarhani & Homaei, 2023). در مقابل، هم‌آمیختگی هیجانی و فقدان مرزهای سالم در روابط می‌تواند رشد معنوی و احساس معنا را مختل سازد. این یافته‌ها بر نقش دوگانه تمایز یافتگی و معنویت در ارتقای سلامت روابط زناشویی تأکید دارند (Jo & Lee, 2025; Kim & Woo, 2025).

با وجود حجم قابل توجهی از پژوهش‌ها درباره هر یک از این متغیرها، مرور ادبیات نشان می‌دهد که اغلب مطالعات به بررسی روابط دوتایی میان کنترل‌گری، تمایز یافتگی، تنیدگی روان‌شناختی یا بهزیستی معنوی پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی این سازه‌ها را به‌صورت هم‌زمان و در قالب یک مدل علی جامع مورد بررسی قرار داده است (Aslani et al., 2019; Mabelian et al., 2021). این خلأ پژوهشی موجب محدود شدن درک ما از سازوکارهای پیچیده و چندسطحی خشونت همسران شده است، در حالی که شواهد نشان می‌دهد خشونت زناشویی حاصل برهم‌کنش هم‌زمان عوامل رفتاری، روان‌شناختی و معنوی است.

از این رو، پرداختن به مدلی یکپارچه که بتواند نقش متغیرهای برون‌زا مانند کنترل‌گری و تمایز یافتگی را در ارتباط با خشونت همسران، با در نظر گرفتن نقش میانجی تنیدگی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی، تبیین کند، از اهمیت نظری و کاربردی بالایی برخوردار است. بنابراین، هدف مطالعه حاضر آزمون مدل رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گری تنیدگی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره است.

## روش‌شناسی

روش پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است که به بررسی روابط متغیرها در یک مدل علی می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه همسران مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی شهر تبریز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بودند که در این جامعه، زنان تحت خشونت خانوادگی توسط همسرانشان قرار گرفته بودند. این افراد براساس ملاک‌های ورود سن ۲۰ تا ۴۰ سال، جنسیت زن، دارای حداقل یک فرزند و حداقل تحصیلات دیپلم و ملاک‌های خروج مصرف داروی اعصاب و روان طی سه‌ماهه گذشته، ابتلا به بیماری صعب‌العلاج جسمی مانند سرطان، MS و نظیر آن، بهره‌گیری از خدمات مشاوره و روان‌شناسی طی سه‌ماه گذشته تاکنون به‌عنوان جامعه وارد پژوهش شدند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و هدفمند تعداد ۲۴۰ نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند.

**پرسش‌نامه خشونت همسران:** به‌منظور سنجش خشونت همسران از پرسشنامه خشونت علیه زنان حاج‌یحیی (۱۹۹۹) استفاده شد. این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه مقیاس تکنیک تعارض<sup>۱</sup> استراوس<sup>۲</sup> (۱۹۷۹)، پرسشنامه خشونت روان‌شناختی زنان تولمن<sup>۳</sup> (۱۹۹۹)، سنجش آزارگری رادنبرگ و فانتوزو<sup>۴</sup> (۱۹۹۳)، شاخص همسرآزاری<sup>۵</sup> هودسون و مک‌اینش<sup>۶</sup> (۱۹۸۱) و پرسشنامه رفتارهای خشونت‌آمیز<sup>۷</sup> شپارد و کمپبل<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) است. این پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال است و چهار عامل آزار روانی<sup>۹</sup>، خشونت فیزیکی<sup>۱۰</sup>، آزار جنسی<sup>۱۱</sup> و آزار اقتصادی<sup>۱۲</sup> را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای (هرگز=۱، یکبار=۲ و دو بار یا بیشتر=۳) انجام می‌شود. حاج‌یحیی (۱۹۹۹) بر پایه نتایج حاصل از نخستین زمینه‌یابی ملی فلسطینی<sup>۱۳</sup> در مورد خشونت علیه زنان که در نمونه‌ای به حجم ۲۴۱۰ زن انجام گرفت، پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای سوءاستفاده روانی ۰/۷۱، خشونت فیزیکی ۰/۸۶، سوءاستفاده جنسی ۰/۹۳ و سوءاستفاده اقتصادی ۰/۹۲ گزارش کرد که نشان از پایایی مطلوب آن دارد. امیری شمیلی (۱۳۹۳) پس از ترجمه این پرسشنامه آن را در اختیار چند تن از اساتید متخصص قرار داد و روایی صوری پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، برای محاسبه پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برابر با ۰/۸۶ به دست آمد (امیری شمیلی، ۱۳۹۳). در پژوهش اصلانی و همکاران (۱۳۹۸) پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷۸ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان‌دهنده ساختار عاملی قابل‌قبولی برای این پرسشنامه بود.

**پرسش‌نامه کنترل‌گری:** به‌منظور سنجش کنترل‌گری از مقیاس تجدیدنظر شده رفتارهای کنترلی گراهام-کاون و آرچر (۲۰۰۵) استفاده شد. نسخه ۲۴ سؤالی این مقیاس نخستین بار در سال ۲۰۰۳ به وسیله گراهام-کاون و آرچر بر مبنای اطلاعات مربوط به یک برنامه مداخله‌ای علیه

1 conflict tactics scale (CTS)

2 Straus

3 Tolman

4 Radenberg & Fantozo

5 index of spouse abuse (ISA)

6 Hudson and McIntosh

7 abusive behavior inventory (ABI)

8 Shepard & Campbell

9 psychological abuse

10 physical violence

11 sexual abuse

12 economic abuse

13 first palestinian national survey (FPNS)

خشونت خانگی که در انگلیس اجرا شده بود، ساخته شد. نتایج حاصل از این برنامه نشان می‌داد که رفتارهای کنترل‌گرایانه، رفتاری کلیدی در این گونه خانواده‌ها است. در این مقیاس تنها مقولات رفتاری در نظر گرفته می‌شود و پرخاشگری بدنی را شامل نمی‌شود و فرد گزارشی از رفتارهای کنترل‌گرایانه خود و همسرش را ارائه می‌دهد. نسخه تجدیدنظر شده مقیاس رفتارهای کنترلی که در سال ۲۰۰۵ توسط سازندگان ساخته شد، شامل ۲۹ سوال و پنج خرده‌مقیاس کنترل اقتصادی، کنترل تهدیدآمیز، کنترل از طریق ترساندن، کنترل هیجانی و کنترل از طریق منزوی کردن است. برای زوج‌هایی که دارای فرزند هستند، چند عبارت دیگر به مقیاس اضافه شده است و خرده‌مقیاس ششم عبارت است از کنترل از طریق فرزندان. در مطالعه حاضر از آنجا که داشتن حداقل یک فرزند جزء ملاک‌های ورود به پژوهش بود، هر شش خرده‌مقیاس لحاظ شدند. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از نمره ۰ برای هرگز تا نمره ۴ برای همیشه) روشن کند که خودش و همسرش به چه میزان هریک از رفتارهای موردنظر را انجام می‌دهند. در بررسی این پرسشنامه روی ۲۰۰۰ نفر در انگلستان ضریب آلفای کلی آزمون در نمونه زنان ۰/۹۰ و در مردان ۰/۸۹ بوده است. بررسی روایی این مقیاس بیانگر سازگاری آن با مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های تعارض<sup>۱</sup> برای اقدام‌کننده و قربانی بود (به نقل از اسلیث<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در ایران توسط ضیایی (۱۳۹۴) بررسی شد و نشان داد پایایی نسخه فارسی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ با نتایجی که سازندگان در سال ۲۰۰۳ گزارش داده بودند همخوانی دارد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۵ و برای خرده‌مقیاس‌های کنترل اقتصادی ۰/۷۱، کنترل تهدیدآمیز ۰/۸۸، کنترل از طریق ترساندن ۰/۶۹، کنترل هیجانی ۰/۸۴، کنترل از طریق منزوی کردن ۰/۹۰ و کنترل از طریق فرزندان ۰/۸۲ به دست آمد. در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۶۴ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد. همچنین، نتایج تحلیل‌عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان‌دهنده ساختار عاملی قابل‌قبولی برای این پرسشنامه بود.

**پرسش‌نامه تمایز یافتگی:** در مطالعه حاضر، برای اندازه‌گیری تمایز یافتگی، از پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسشنامه به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است. این پرسشنامه شامل ۴۳ جمله و دارای چهار خرده مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران است. برای نمره‌گذاری این پرسشنامه، از طیف لیکرت شش درجه‌ای از اصلا شبیه خصوصیات من نیست=۱ تا کاملاً شبیه خصوصیات من است=۶ استفاده می‌شود. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) همسانی درونی نمره کل و خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را برای واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۸۴، هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۴، جایگاه من ۰/۸۳، گریز هیجانی ۰/۸۲ و نمره کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش کردند. در پژوهش شریعت و همکاران (۱۴۰۰)، ضریب همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شد. در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۲۵ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد. همچنین، نتایج تحلیل‌عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان‌دهنده ساختار عاملی قابل‌قبولی برای این پرسشنامه بود.

**پرسش‌نامه تنیدگی روانشناختی:** پرسشنامه نشانگان تنیدگی بوسیله سیدخراسانی (۱۳۷۷) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۵۰ عبارت است که بر مبنای یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای تعیین می‌شود و دامنه بروز نشانگان تنیدگی می‌تواند از هرگز، کم، تاحدی، زیاد، خیلی زیاد باشد و چهار دسته از نشانگان تنیدگی شامل نشانگان جسمانی، شناختی، عاطفی و رفتاری را می‌سنجد. در مطالعه مقدماتی جهت تهیه پرسشنامه از منابعی چون راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، پیشینه تحقیقاتی درباره تنیدگی و نیز آزمون نشانگان تنیدگی مازلیچ استفاده شده است. بنابر مطالعات مقدماتی و روانسنجی روشن شد این پرسشنامه دارای روایی صوری و محتوایی مناسبی است. پرسشنامه جهت بررسی ماده‌های پرسشنامه در اختیار متخصصان روانسنجی و روانشناسی قرار گرفت و برای سنجش میزان تنیدگی مورد تایید واقع شد. اعتبار پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. ضریب آلفای کل پرسشنامه برابر است با ۰/۸۲، ضریب آلفا برای خرده مقیاس نشانگان جسمانی ۰/۸۱، نشانگان عاطفی (روانی) ۰/۸۱، نشانگان شناختی ۰/۸۰ و نشانگان رفتاری ۰/۸۳ گزارش شده است (سید

1 revised conflict tactics scale (RCTS)

2 Sleath

خراسانی، ۱۳۷۷). در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۴۱ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان‌دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

**پرسش‌نامه بهزیستی معنوی:** پرسشنامه بهزیستی معنوی گومز و فیشر (۲۰۰۳) شامل ۲۰ عبارت بوده و از چهار خرده‌مقیاس شخصی، اجتماعی، محیطی و متعالی تشکیل شده است. مقیاس پاسخگویی به سوالات روش لیکرت پنج درجه‌ای (از نمره ۱ برای خیلی کم تا نمره ۵ برای خیلی زیاد) است. گومز و فیشر (۲۰۰۳) ضریب پایایی را برای کل مقیاس ۰/۹۲ و ضرایب آلفای خرده مقیاس‌ها شخصی، متعالی، محیطی و اجتماعی را به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۷۶ و ۰/۷۹ گزارش کردند. همچنین برای تعیین روایی، این پرسشنامه با خرده مقیاس روان پریشی پرسشنامه آیزنک همبستگی منفی و معنادار و با شادکامی همبستگی مثبت و معنادار داشته است. پژوهش گل‌پرور (۱۳۹۷) تحلیل عاملی اکتشافی پنج سؤال این پرسشنامه را بر یک عامل قرار داد که همان بهزیستی معنوی تعالی‌گرا است و آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز برابر با ۰/۹ به دست آمد. در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۳۱ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان‌دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود. در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد.

## یافته‌ها

در این پژوهش، ۲۴۰ نفر از زنان که تحت خشنونت خانوادگی توسط همسرانشان قرار گرفته‌اند و مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی شهر تبریز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بودند برحسب سن، افراد ۳۰-۲۰ سال ۱۲۷ نفر با ۵۲/۹۲ درصد بیش‌ترین افراد، افراد با سن ۳۰-۴۰ سال ۱۱۳ نفر با ۴۷/۰۸ درصد کم‌ترین تعداد افراد را تشکیل می‌دهد. برحسب سطح تحصیلات، افراد با تحصیلات لیسانس ۱۱۶ نفر با ۴۸/۳۳ درصد بیش‌ترین افراد، افراد با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر ۵۲ نفر با ۲۱/۶۷ درصد کم‌ترین تعداد افراد را تشکیل می‌دهد. برحسب مدت ازدواج، افراد با مدت ازدواج ۱۵-۱۱، ۱۱۶ نفر با ۴۶/۳۳ درصد بیش‌ترین افراد، افراد با مدت ازدواج ۱۵ سال به بالا ۴۳ نفر با ۱۷/۹۱ درصد کم‌ترین تعداد افراد را تشکیل می‌دهد. برحسب تعداد فرزندان، افراد با یک فرزند ۱۱۹ نفر با ۴۹/۵۸ درصد بیش‌ترین افراد، افراد با سه فرزند بیش‌تر ۲۷ نفر با ۱۱/۲۵ درصد کم‌ترین تعداد افراد را تشکیل می‌دهد. برحسب شغل، افراد با شغل خانه‌داری ۱۱۹ نفر با ۴۹/۵۸ درصد بیش‌ترین افراد، افراد با شغل آزاد ۳۷ نفر با ۱۵/۴۲ درصد کم‌ترین تعداد افراد را تشکیل می‌دهد.

میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل نمره متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی متغیرهای برون‌زا، درون‌زا و میانجی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	کجی	کشیدگی
کنترل اقتصادی	۱۲/۶۱	۲/۴۹۱	۱۶	۸	-۰/۲۵۴	-۱/۱۹۷
کنترل تهدید آمیز	۱۲/۴۴	۲/۵۳۱	۱۶	۷	-۰/۱۷۶	-۱/۲۲۸
کنترل از طریق ترساندن	۱۲/۴۸	۲/۴۸۳	۱۶	۸	۰/۱۱۸	-۱/۲۹۲
کنترل هیجانی	۱۲/۴۹	۲/۵۳۲	۱۶	۸	۰/۱۷۹	-۱/۳۰۵
کنترل از طریق منزوی کردن	۱۲/۲۴	۲/۵۹۵	۱۶	۸	-۰/۰۴۴	-۱/۳۶۹
کنترل از طریق فرزندان	۱۲/۵۵	۲/۴۶۸	۱۶	۸	-۰/۱۷۸	-۱/۲۱۰
کنترل گری	۷۴/۸۰	۴/۴۰۸	۹۶	۴۸	-۰/۱۷۶	-۱/۱۷۳
آزار روانی	۳۱/۵۰	۳/۷۵۱	۴۵	۱۶	۰/۰۹۶	-۱/۱۹۹
خشنونت فیزیکی	۲۰/۴۵	۴/۳۱۰	۳۰	۱۰	۰/۰۷۰	-۰/۱۲۷
آزار جنسی	۴/۸۰	۱/۵۰۷	۹	۳	۱/۲۲۴	۱/۴۷۴
آزار اقتصادی	۴/۲۵	۱/۱۲۳	۶	۲	-۰/۱۷۵	-۰/۶۹۰
خشنونت همسران	۶۱	۵/۲۲۶	۷۹	۴۰	۰/۲۶۳	-۰/۷۱۹
شخصی	۱۳/۶۸	۳/۱۸۶	۲۵	۶	۰/۴۲۳	-۱/۱۷

اجتماعی	۱۳/۹۲	۴/۲۶۱	۲۵	۶	۰/۳۸۱	-۱/۲۲۷
محیطی	۱۳/۷۰	۴/۳۸	۲۵	۶	۰/۳۹۵	-۱/۲۱۳
متعالی	۱۳/۷۸	۳/۱۷۱	۲۵	۶	۰/۳۸۰	-۱/۲۲۲
بهبودی معنوی	۵۵/۱۰۸	۴/۳۴۰	۱۰۰	۲۴	۰/۳۷۸	-۱/۱۹۲
نشانگان جسمانی	۷۶/۹۸	۲/۴۷۹	۹۹	۲۲	-۱/۴۷۰	۰/۵۳۶
نشانگان شناختی	۱۶/۴۱	۲/۳۲۱	۲۰	۱۰	-۰/۴۵۴	۰/۳۹۲
عاطفی	۴۶/۵۴	۴/۱۷۱	۷۸	۱۶	-۰/۰۰۶	-۱/۲۹۶
رفتاری	۳۱/۸۳	۳/۴۲۹	۴۰	۷	-۰/۶۰۷	۱/۹۹۶
تنبیدگی روان شناختی	۱۷۱/۱۷۶	۴/۵۶۳	۲۲۵	۵۸	-۱/۱۲۴	۰/۳۰۵
واکنش پذیری هیجانی	۵۲/۰۵	۳/۷۳۱	۶۵	۱۴	-۱/۴۶۲	۰/۷۳۶
جایگاه من	۵۲/۳۰	۳/۵۷۸	۶۸	۱۴	-۱/۴۹۱	۰/۸۵۰
گریز هیجانی	۵۱/۹۰	۳/۷۲۰	۶۵	۱۴	-۱/۴۱۱	۰/۵۸۱
هم آمیختگی با دیگران	۵۲/۱۳	۳/۶۷۳	۶۵	۱۴	-۱/۴۸۷	۰/۸۰۱
تمایز یافتگی	۲۰۸/۳۹	۴/۴۶	۲۶۱	۵۶	-۱/۴۷۷	۰/۷۹۱

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در متغیر کنترل گری بالاترین میانگین مربوط به کنترل اقتصادی (۱۲/۶۱) و کمترین میانگین مربوط به کنترل از طریق منزوی کردن (۱۲/۲۴) است. در متغیر خشنونت همسران بالاترین میانگین مربوط به آزار روانی (۳۱/۵۰) و کمترین میانگین مربوط به متغیر آزار اقتصادی (۴/۲۵) است. در متغیر بهبودی معنوی بالاترین میانگین مربوط به متغیر اجتماعی (۱۳/۹۲) و کمترین میانگین مربوط به متغیر شخصی (۱۳/۶۸) است. در متغیر تنبیدگی روان شناختی بالاترین میانگین مربوط به عاطفی (۴۶/۵۴) و کمترین میانگین مربوط به نشانگان شناختی (۱۶/۴۱) است. همچنین، در متغیر تمایز یافتگی بالاترین میانگین مربوط به جایگاه من (۵۲/۳۰) و کمترین میانگین مربوط به گریز هیجانی (۵۱/۹۰) است.

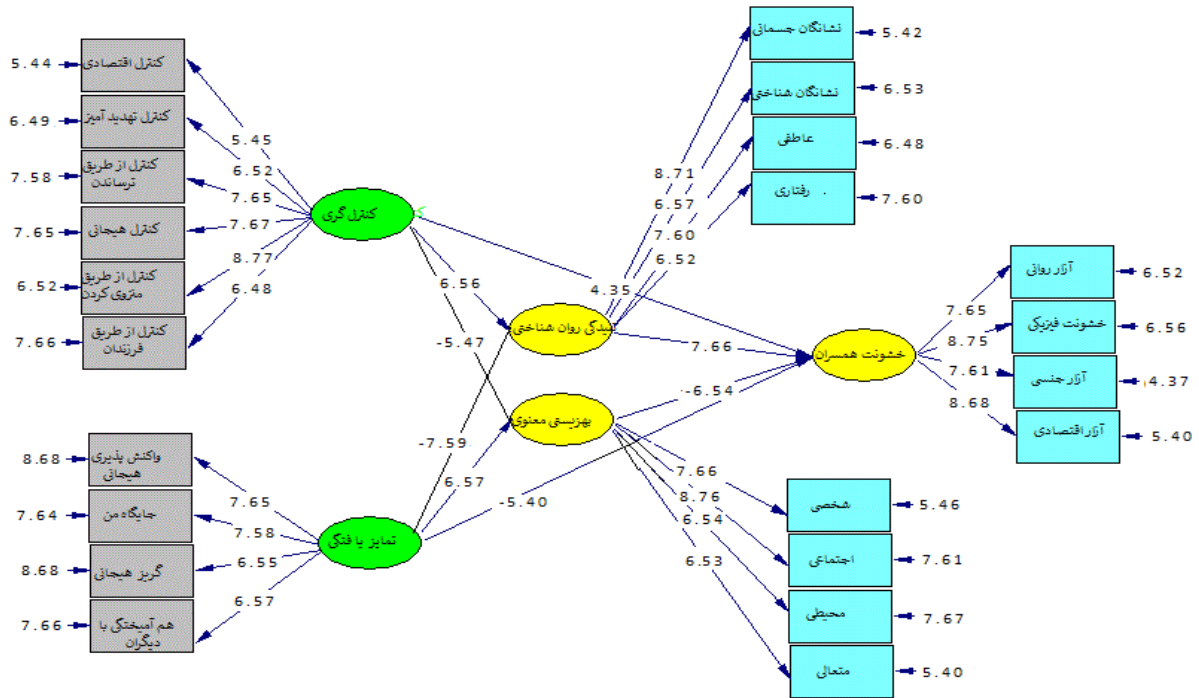
در ادامه نتایج ضرایب همبستگی بین متغیرهای برون‌زا و میانجی با درون‌زا و همچنین برون‌زا با میانجی در ماتریس جدول ۲ ارائه شده است.

#### جدول ۲. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	خشنونت همسران
۱- کنترل گری	۰/۳۷۴**
۳- بهبودی معنوی	-۰/۵۶۱**
۴- تنبیدگی روان شناختی	۰/۶۷۸**
۵- تمایز یافتگی	-۰/۴۲۱**

\* $p < 0.05$ , \*\* $p < 0.01$

نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین کنترل گری با خشنونت همسران رابطه مثبت و معنادار ( $r = 0.374$ ;  $P < 0.01$ )؛ بین تمایز یافتگی با خشنونت همسران رابطه منفی معنادار ( $r = -0.421$ ;  $P < 0.01$ )؛ بین تنبیدگی روان شناختی با خشنونت همسران رابطه مثبت و معنادار ( $r = 0.678$ ;  $P < 0.01$ )؛ بین بهبودی معنوی با خشنونت همسران رابطه منفی و معنادار ( $r = -0.565$ ;  $P < 0.01$ ) وجود دارد. از آنجاکه پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری بهره گرفته است، ابتدا به مفروضه‌های آماری مدل اشاره می‌شود. برای تحلیل فرضیه‌ها، ابتدا باید مدل نظری تدوین شده برای هر فرضیه مورد پردازش قرار گیرد تا مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده تا چه اندازه مدل نظری را مورد حمایت قرار می‌دهد. برای پاسخ به این سؤال از شاخص‌های کمی برازش مدل استفاده می‌شود. در صورتی که شاخص‌های کلی قابل قبول باشند یا به عبارتی مدل نظری مورد تأیید قرار گیرد، می‌توان به روابط درون مدل پرداخت که این روابط متقابل ضرایب رگرسیونی (ضریب تأثیر) مربوط به فرضیه و بارهای عاملی مربوط به هر گویه می‌باشند. برای آزمون قابل قبول بودن این ضرایب (ضرایب تأثیر بارهای عامل) از شاخص جزئی P استفاده می‌شود که مقدار آن برای مقادیر قابل قبول کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد.



Chi-Square=178.40, df=88, P-value=0.00000, RMSEA=0.043

شکل ۱. آماره معناداری (t-value) مولفه‌های متغیرهای پژوهش

جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل به همراه مقادیر مطلوب را نشان می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده

شاخص‌های برازش	میزان	ملاک	تفسیر
کای اسکوئر ( $\chi^2$ )	۱۷۸/۴۰	-	-
درجه آزادی (df)	۸۸	-	-
سطح معناداری	۰/۰۰۱	کمتر از ۰/۰۵	-
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )	۱۷۸/۴۰ بخش بر ۸۸	کمتر از ۳	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱۷	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۸۶۶	بیشتر از ۰/۸۵	برازش مطلوب
شاخص برازش نسبی (RFI)	۰/۹۳۸	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص برازش افزایشی (IFI)	۰/۹۲۱	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۲۶	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص توکلر-لويس (TLI)	۰/۹۲۴	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۱۳	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۴۳	کمتر از ۰/۱	برازش مطلوب
شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI)	۰/۶۶۹	بیشتر از ۰/۵۰	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش مقتصد (PGFI)	۰/۶۷۷	بیشتر از ۰/۵۰	برازش مطلوب

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار آماره  $\chi^2$  برابر با ۱۷۸/۴۰ با درجه آزادی ۸۸ است. حاصل تقسیم کای اسکوئر تقسیم بر درجه آزادی ۲/۰۳ بوده و کمتر از ۳ است که بیانگر برازش عالی مدل می‌باشد. شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۹۱۷ است که نشان دهنده برازش مطلوب مدل است. شاخص نیکویی برازش تعدیل شده برابر با ۰/۸۶۶ می‌باشد که بزرگتر از ۰/۸۵ بوده و بنابراین مدل از برازش مطلوب برخوردار است. مقدار ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد نیز ۰/۰۴۳ می‌باشد که باتوجه به اینکه کمتر از ۰/۱ است، مطلوب بوده و نشان دهنده تأیید مدل پژوهش می‌باشد. شاخص برازش هنجار شده برابر با ۰/۹۱۳، شاخص برازندگی هنجار نشده یا توکلر-لوپس برابر با ۰/۹۲۴، شاخص برازش تطبیقی برابر با ۰/۹۲۶ و شاخص برازش نسبی برابر با ۰/۹۳۸ است که همگی نشان دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش می‌باشد.

با توجه به شاخص‌های کمی برازش، می‌توان نتیجه گرفت که مدل نظری پژوهش قابل قبول است. بنابراین، می‌توان به روابط درون مدل و مقادیر ضریب رگرسیونی بین متغیرهای پنهان پرداخت. برای آزمون فرضیه از شاخص جزئی p-value استفاده شده است. شرط معنی‌دار بودن یک رابطه این است که مقدار این شاخص برای رابطه موردنظر کمتر از ۰/۰۵ باشد. بنابراین مدل این تحقیق مدلی پای رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی و بهزیستی معنوی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز از برازش مورد قبولی برخوردار است.

در جدول ۴ ضرایب اثر مستقیم و سطح معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۴. برآوردهای مربوط به تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

مسیر	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
کنترل‌گری با تنیدگی روان شناختی	۰/۵۷۸	۰/۲۴۵	۶/۵۶	۰/۰۰۰۵
کنترل‌گری با بهزیستی معنوی	-۰/۴۹۸	۰/۳۲۱	-۵/۴۷	۰/۰۰۰۵
کنترل‌گری با خشونت همسران	۰/۳۷۴	۰/۲۴۸	۴/۳۵	۰/۰۰۰۵
تمایز یافتگی با تنیدگی روان شناختی	-۰/۶۱۱	۰/۴۱۸	-۷/۵۹	۰/۰۰۰۵
تمایز یافتگی با بهزیستی معنوی	۰/۵۸۴	۰/۱۲۹	۶/۵۷	۰/۰۰۰۵
تمایز یافتگی با خشونت همسران	-۰/۴۲۱	۰/۲۰۸	-۴/۵۰	۰/۰۰۰۵
تنیدگی روان شناختی با خشونت همسران	۰/۶۷۸	۰/۳۲۱	۷/۶۶	۰/۰۰۰۵
بهزیستی معنوی با خشونت همسران	-۰/۵۶۵	۰/۴۱۰	-۶/۵۴	۰/۰۰۰۵

برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵. برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل

مسیر	متغیر برون‌زا	متغیر میانجی	متغیر درون‌زا	مقدار برآورد	حد بالا	حد پایین	سطح معناداری	فاصله اطمینان <sup>۱</sup>
کنترل‌گری	تنیدگی روان شناختی	خشونت همسران	۰/۴۹۶	۰/۲۴۳	۰/۱۳۷	۰/۰۰۱	۰/۹۵	
کنترل‌گری	بهزیستی معنوی	خشونت همسران	-۰/۵۰۸	۰/۱۲۹	۰/۱۰۳	۰/۰۰۱	۰/۹۵	
تمایز یافتگی	تنیدگی روان شناختی	خشونت همسران	-۰/۶۱۱	۰/۲۵۱	۰/۱۱۷	۰/۰۰۱	۰/۹۵	
تمایز یافتگی	بهزیستی معنوی	خشونت همسران	-۰/۵۷۸	۰/۳۴۰	۰/۱۳۲	۰/۰۰۱	۰/۹۵	

نتایج جدول ۵ نشان داد ضریب اثر غیرمستقیم کنترل‌گری بر خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی ۰/۴۹۶ برآورد شده است که این ضریب مسیر در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین بین کنترل‌گری با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز رابطه وجود دارد. ضریب اثر غیرمستقیم کنترل‌گری بر خشونت همسران از طریق

<sup>۱</sup> confidence interval (CI)

میانجی‌گری بهزیستی معنوی ۰/۵۰۸- برآورد شده است که این ضریب مسیر در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین بین کنترل‌گری با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری بهزیستی معنوی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز رابطه وجود دارد. ضریب اثر غیرمستقیم تمایز یافتگی با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی ۰/۶۱۱- برآورد شده است که این ضریب مسیر در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین بین تمایز یافتگی با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز رابطه وجود دارد. ضریب اثر غیرمستقیم تمایز یافتگی با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری بهزیستی معنوی ۰/۵۷۸- برآورد شده است که این ضریب مسیر در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین بین تمایز یافتگی با خشونت همسران از طریق میانجی‌گری بهزیستی معنوی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز رابطه وجود دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد مدل پیشنهادی رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گری تنیدگی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی، با داده‌های تجربی برازش مطلوبی دارد و شاخص‌های برازش (از جمله  $CFI=0.926$  و  $RMSEA=0.043$ ) نشان می‌دهد که ساختار روابط مفهومی میان متغیرها به صورت منسجم و قابل اتکا تبیین شده است. این سطح از برازش از منظر نظری با ضرورت استفاده از چارچوب‌های چندعاملی برای توضیح کیفیت و آسیب‌های رابطه زناشویی همخوان است، زیرا کیفیت زناشویی و پیامدهای آن معمولاً حاصل برهم‌کنش هم‌زمان عوامل رفتاری، هیجانی، شناختی و زمینه‌ای است (Baucom et al., 2019; Nurhayati et al., 2019). از منظر سلامت عمومی نیز، پرداختن به خشونت همسران در قالب مدل‌های علی از این جهت مهم است که خشونت در روابط صمیمانه، بنا بر شواهد بین‌المللی، یکی از پرخطرترین اشکال خشونت علیه زنان محسوب می‌شود و دامنه‌ای از آسیب‌های روانی و اجتماعی را به دنبال دارد (World Health Organization, 2019). افزون بر آن، هم‌راستا با گزارش‌های همه‌گیرشناختی، شیوع و پیش‌بین‌های خشونت در زنان و مردان و نیز نقش عوامل خطر بین‌فردی در تداوم آن مورد تأکید است (Jud et al., 2023) و در ایران نیز شواهد میدانی از گستردگی خشونت خانگی و ضرورت مداخله‌های چندلایه حمایت می‌کند (Saffari et al., 2017).

در تبیین یافته‌های مسیرهای مستقیم، نخست مشاهده شد کنترل‌گری اثر مستقیم مثبت و معناداری بر خشونت همسران دارد ( $\beta=0.374$ ), ( $p<0.05$ ). این نتیجه با ادبیاتی همسو است که کنترل‌گری و کنترل قهری را نه یک «رفتار حاشیه‌ای»، بلکه سازوکار مرکزی بازتولید خشونت در روابط صمیمانه می‌داند؛ زیرا کنترل‌گری با محدودسازی آزادی، نظارت‌گری، انزوا و تهدید، زمینه تعارض مزمن و فرسایش امنیت رابطه را ایجاد می‌کند (Stark & Hester, 2019). از منظر حقوقی-کیفری و شواهد پژوهی نیز، توجه به رفتارهای کنترل‌گرایانه به‌عنوان مؤلفه قابل اثبات خشونت خانگی تقویت شده است (Bishop & Bettinson, 2018). به‌طور مفهومی، مدل‌های قدرت-کنترل نشان می‌دهند زمانی که توزیع قدرت در رابطه نامتقارن شود، احتمال گذار از کنترل هیجانی و اقتصادی به خشونت آشکار افزایش می‌یابد (Scott, 2018). در همین راستا، پژوهش‌هایی که بر سنجش دقیق رفتارهای کنترل‌گرایانه و ساختار عاملی مقیاس‌های مرتبط تأکید دارند، نشان می‌دهند کنترل‌گری به‌طور منسجم با تعارض و پرخاشگری همپوشی دارد و سنجش آن برای تحلیل خشونت ضروری است (Sleath et al., 2018). از منظر پیامدی نیز، ارتباط کنترل‌گری با بی‌ثباتی زناشویی و افت امنیت رابطه گزارش شده است (Pourrajab Ravari & Kamiabi, 2017) و شواهدی وجود دارد که کنترل‌گری با افت کیفیت رابطه و شاخص‌های رابطه‌ای نامطلوب همراه می‌شود (Mabelian et al., 2021). همچنین، نتایج طولی نشان داده‌اند که پرخاشگری علیه شریک صمیمی می‌تواند به کاهش رضایت زناشویی منجر شود و این مسیر در روابط پرتنش تشدید می‌شود (Hammett et al., 2021). از منظر مهار قدرت و عدالت رابطه‌ای، مطالعات نشان داده‌اند هرچه ادراک انصاف و مدیریت قدرت در رابطه واقع‌بینانه‌تر باشد، ظرفیت پیشگیری از تنش‌های مخرب بیشتر است (Bravo & Silva, 2018; Mortezaei & Rezazadeh, 2020).

یافته دوم نشان داد تمایز یافتگی اثر مستقیم منفی و معناداری بر خشونت همسران دارد ( $\beta = -0.421, p < 0.05$ ). این نتیجه با نظریه نظام خانواده بوئن و شواهد تجربی معاصر همخوان است؛ زیرا تمایز یافتگی بالاتر به معنای توانایی مرزبندی «خود»، تفکیک هیجان از شناخت و حفظ صمیمیت بدون هم آمیختگی هیجانی است (Willis et al., 2021). مطالعات بین فرهنگی نیز نشان داده اند تمایز یافتگی پایین با اضطراب و آشفتگی هیجانی بیشتر پیوند دارد و در شرایط تعارض، افراد را به واکنش های تکانشی و رفتارهای مخرب سوق می دهد (Dolz-del-Castellar & Oliver, 2021). شواهد داخلی نیز نشان می دهد سطح تمایز یافتگی می تواند خشونت خانگی را پیش بینی کند و افزایش آن با کاهش خشونت همراه است (Haji et al., 2018; Jafarzadeh et al., 2020). همچنین، مطالعه ای که اجزای تمایز یافتگی را در پیش بینی صمیمیت زناشویی بررسی کرده، نشان می دهد مؤلفه های تمایز یافتگی (مانند واکنش پذیری هیجانی و گریز هیجانی) به طور معناداری با کیفیت ارتباطی زوجین مرتبطاند (Rafezi & Sabouri, 2022). از سوی دیگر، یافته های بین المللی بیان می کند تمایز یافتگی از طریق سازگاری زناشویی می تواند رضایت از زندگی را پیش بینی کند و در نتیجه، نقش محافظتی در برابر الگوهای مخرب رابطه ای داشته باشد (Işık et al., 2020). این تبیین با رویکردهای زوج درمانی شناختی-رفتاری نیز همسو است که بر ارتقای مهارت های تنظیم هیجان، گفت و گو و حل مسئله برای مهار چرخه های تعارض و خشونت تأکید می کنند (Baucom et al., 2019).

در بخش میانجی ها، نتایج نشان داد کنترل گری بر خشونت همسران از طریق تنیدگی روان شناختی اثر غیرمستقیم مثبت و معنادار دارد ( $\beta = 0.496, p < 0.05$ ) و همچنین تمایز یافتگی از طریق تنیدگی روان شناختی به صورت غیرمستقیم با کاهش خشونت مرتبط است ( $\beta = -0.611, p < 0.05$ ). این یافته ها با ادبیات تنیدگی و کارکردهای رابطه ای سازگار است؛ زیرا تنیدگی به عنوان یک فشار چندبعدی می تواند ظرفیت تنظیم هیجان، همدلی و حل تعارض را کاهش دهد و در نتیجه احتمال رفتارهای پر خاشگروانه افزایش یابد (Bhurtun, 2020). مرورهای نظری نشان می دهد استرس با رضایت رابطه ای پیوند منفی دارد و در شرایط استرس بالا، زوجین تعاملات حمایتی کمتری نشان می دهند (Randall & Bodenmann, 2017). همچنین استرس شغلی و فشارهای بیرونی می توانند تعارضات خانوادگی را تشدید کنند و در خانواده های در معرض آسیب، اثرات آن برجسته تر می شود (Repetti & Wang, 2017). از منظر رشد شناختی-عصب روان شناختی نیز نشان داده شده است که استرس های اولیه زندگی می توانند با نشانگان اضطرابی و آسیب پذیری در دوره های بعدی ارتباط داشته باشند (Lähdepuro et al., 2019)؛ بنابراین، در روابط زناشویی نیز تداوم تنیدگی می تواند به شکل گیری زمینه های مزمن تحریک پذیری و پر خاشگروگی کمک کند. در همین راستا، قابل انتظار است که کنترل گری با ایجاد تجربه «در تله افتادن» و کاهش آزادی ادراک شده، تنیدگی روان شناختی را افزایش دهد و از طریق آن، خشونت را تقویت کند (Bishop & Bettinson, 2018; Stark & Hester, 2019). از سوی دیگر، تمایز یافتگی بالا به فرد کمک می کند در موقعیت های هیجانی از واکنش پذیری بکاهد، مدیریت تعارض را بهبود دهد و بنابراین تنیدگی کاهش یابد؛ این منطق با شواهد مربوط به ارتباط تمایز یافتگی با سلامت روان و الگوهای تعارض همخوان است (Dolz-del-Castellar & Oliver, 2021; Willis et al., 2021). همچنین، ادبیات جدید نشان می دهد نقش سبک های مدیریت تعارض می تواند در مسیرهای اثرگذاری تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی برجسته باشد (Jo & Lee, 2025) و حتی سازه هایی مانند ذهنی سازی می توانند اثرات غیرمستقیم تمایز یافتگی بر سلامت خانواده مبدأ و رضایت زناشویی را توضیح دهند (Kim & Woo, 2025). از منظر مداخله ای نیز، اثربخشی آموزش ها و درمان های مرتبط با تمایز یافتگی و کار با هیجان ها گزارش شده است (Dahaei et al., 2020; Shariat et al., 2021) و حتی تقویت کارکردهای شناختی-هیجانی (مانند حافظه کاری هیجانی) به طور کلی می تواند ظرفیت تنظیم هیجان را بهبود دهد که در زمینه کنترل تنیدگی و تعارضات خانوادگی قابل استفاده است (Samimi et al., 2017).

همچنین نتایج نشان داد کنترل گری از طریق بهزیستی معنوی اثر غیرمستقیم منفی بر خشونت همسران دارد ( $\beta = -0.508, p < 0.05$ ) و تمایز یافتگی نیز از طریق بهزیستی معنوی به طور غیرمستقیم با کاهش خشونت مرتبط است ( $\beta = -0.578, p < 0.05$ ). این الگو نشان می دهد بهزیستی معنوی یک عامل محافظتی مهم است که می تواند شدت اثر عوامل خطر (کنترل گری و ضعف تمایز یافتگی) را بر خشونت تعدیل کند.

پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی رابطه دارد و سرسختی روان‌شناختی می‌تواند در این ارتباط نقش میانجی ایفا کند (Seifi & Taghavi, 2019). افزون بر آن، شواهد ساختاری نشان می‌دهد بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی می‌توانند به واسطه سازه‌هایی مانند هوش هیجانی و تمایز یافتگی به هم متصل شوند (Rajabi et al., 2017). از منظر صفات و منابع روانی نیز، ارتباط بهزیستی معنوی با خوش‌بینی و ویژگی‌های شخصیتی زوجین گزارش شده است (Aghili & Zahedi, 2020). پژوهش‌های جدیدتر، پیوند میان بهزیستی معنوی و سازگاری زناشویی و نیز نقش کنترل درونی/بیرونی را تأیید کرده‌اند (Bedir Akpınarlı & Eryücel, 2024). در همین راستا، مطالعات میان‌فرهنگی نشان می‌دهد معنویت و رضایت زناشویی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده شادی ذهنی باشند (Ramadhina et al., 2023) و در سالمندی نیز پیوند معنویت و تاب‌آوری با «صلح زناشویی» مشاهده شده است (Hayati et al., 2025). از منظر زوج‌درمانی، شواهد نشان می‌دهد شیوه‌های مشترک مذهبی/معنوی و نیز زمینه‌های آسیب‌زای دوران کودکی می‌توانند با رضایت رابطه‌ای در درمان زوجها مرتبط باشند (Williamson, 2024). همچنین در زوج‌های بین‌ادیانی، مؤلفه‌هایی مانند «قوم معنوی» و جهت‌گیری دینی می‌توانند کیفیت رابطه را تحت تأثیر قرار دهند (Provencio & McElroy-Heltzel, 2024). بنابراین، وقتی کنترل‌گری با فرسایش معنا، امید و آرامش درونی همراه می‌شود، کاهش بهزیستی معنوی می‌تواند ظرفیت سازگاری و مهارت‌های تعارض را تضعیف کند و به رشد رفتارهای خشونت‌آمیز بینجامد (Aghili & Zahedi, 2020; Seifi & Taghavi, 2019). در سوی مقابل، تمایز یافتگی بالاتر به فرد امکان می‌دهد ضمن حفظ صمیمیت، مرزهای سالم و خودمختاری هیجانی را تقویت کند؛ این امر به تجربه معنا و انسجام درونی کمک کرده و بهزیستی معنوی را ارتقا می‌دهد (Rafezi & Sabouri, 2022; Sarhani & Homaei, 2023). یافته‌های مرتبط با تمایز یافتگی در حوزه رضایت و سازگاری زناشویی نیز این منطبق را تقویت می‌کند (Işık et al., 2020; Jo & Lee, 2025; Kim & Woo, 2025).

در نهایت، ترکیب یافته‌ها نشان می‌دهد خشونت همسران در نمونه مورد بررسی، نه صرفاً محصول ویژگی‌های فردی، بلکه نتیجه تعامل الگوهای قدرت و کنترل، ظرفیت‌های تمایز یافتگی، سطح تنیدگی روان‌شناختی و منابع معنوی زوجین است. از منظر کاربردی، این نتیجه با تأکید پژوهش‌های درمان‌محور بر ضرورت طراحی مداخلات چندوجهی سازگار است؛ برای مثال، زوج‌درمانی‌های متمرکز بر خشونت در کاهش خشونت علیه زنان گزارش شده‌اند (Aslani et al., 2019) و مداخلات غنی‌سازی رابطه می‌تواند رفتارهای کنترل‌گرایانه را کاهش دهد (Kiyadarbandsari et al., 2021). افزون بر آن، نتایج پژوهش حاضر با شواهدی که کنترل قهری را در گذارهای حساس زندگی زناشویی (مانند والدشدن) عامل خطر مهمی برای خشونت و کاهش بهزیستی خانواده می‌دانند همسو است (Gou et al., 2019). بنابراین، وقتی رفتارهای کنترل‌گرایانه کاهش یابد، تمایز یافتگی ارتقا پیدا کند، تنیدگی روان‌شناختی مدیریت شود و بهزیستی معنوی تقویت گردد، می‌توان انتظار داشت شدت خشونت زناشویی کاهش یابد و کیفیت رابطه در مسیر ترمیم قرار گیرد (Baucom et al., 2019; Hammett et al., 2019; Nurhayati et al., 2021).

این پژوهش از نوع مقطعی و همبستگی بود و بنابراین درباره روابط علی باید با احتیاط نتیجه‌گیری شود. داده‌ها بر پایه ابزارهای خودگزارشی گردآوری شد و احتمال سوگیری پاسخ‌دهی، به‌ویژه در موضوعات حساس مانند خشونت و کنترل‌گری، وجود دارد. همچنین نمونه پژوهش محدود به زنان مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره در تبریز بود و تعمیم نتایج به سایر شهرها، گروه‌های جمعیتی، یا زوجینی که به خدمات رسمی مراجعه نمی‌کنند، نیازمند احتیاط است.

پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با طراحی طولی یا نیمه‌آزمایشی انجام شود تا جهت روابط میان کنترل‌گری، تمایز یافتگی، تنیدگی و بهزیستی معنوی با دقت بیشتری بررسی گردد. همچنین بررسی نقش متغیرهای تعدیل‌گر مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی، کیفیت حمایت اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، شیوه‌های حل تعارض و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند به غنای مدل کمک کند. اجرای پژوهش‌های مقایسه‌ای میان زنان و مردان و نیز مطالعه زوجها به صورت دوطرفه (داده‌های زوجی) نیز برای فهم پویایی‌های تعاملی خشونت توصیه می‌شود.

در سطح عمل بالینی، طراحی بسته‌های مداخله‌ای چندبعدی که همزمان بر کاهش رفتارهای کنترل‌گرایانه، افزایش تمایزافتگی، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و مدیریت تنیدگی تمرکز کند ضروری است. همچنین ادغام مؤلفه‌های معنویت‌محور (معنابخشی، امید، آرامش درونی و ارزش‌های اخلاقی مشترک) در برنامه‌های زوج‌درمانی و آموزش خانواده می‌تواند به‌عنوان عامل محافظتی در کاهش تعارض و خشونت به کار رود. در سطح اجتماعی نیز، توسعه برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج و کارگاه‌های مهارت‌های زندگی برای زوجین و نیز تقویت نظام ارجاع و حمایت از قربانیان خشونت می‌تواند به پیشگیری و کاهش خشونت زناشویی کمک کند.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

## شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## چکیده گسترده

## EXTENDED ABSTRACT

### Introduction

Intimate partner violence (IPV) remains a major public health and family mental-health concern worldwide, with wide-ranging psychological, relational, and social consequences. International evidence indicates that IPV is not limited to physical assault but includes psychological aggression, economic abuse, sexual coercion, and, critically, coercive or controlling behaviors that structure power and dependence within intimate relationships (World Health Organization, 2019). Large-scale epidemiological studies show that a substantial proportion of women and men experience at least one form of IPV during their lifetime, highlighting the need for theoretically grounded, multi-factor explanations of this phenomenon (Jud et al., 2023). In many contexts,

including Iran, community-based research confirms the high prevalence of domestic violence and underscores the importance of identifying modifiable relational and psychological risk factors (Saffari et al., 2017).

Recent theoretical developments emphasize coercive control as a central mechanism underlying IPV. Coercive control refers to a pattern of behaviors aimed at restricting a partner's autonomy through monitoring, intimidation, isolation, emotional manipulation, or economic constraint, thereby creating a persistent climate of fear and dependency (Stark & Hester, 2019). Legal and forensic scholarship increasingly recognizes controlling behaviors as core indicators of domestic violence even in the absence of overt physical assault (Bishop & Bettinson, 2018). Empirical studies demonstrate that controlling behaviors are strongly associated with marital instability, relationship dissatisfaction, and psychological distress (Mabelian et al., 2021; Pourrajab Ravari & Kamiabi, 2017). From a relational power perspective, imbalanced power dynamics and rigid gendered expectations further amplify the destructive impact of control on couple functioning (Bravo & Silva, 2018; Scott, 2018).

Alongside controlling behaviors, self-differentiation has emerged as a key protective construct in family systems theory. Rooted in Bowen's theory, self-differentiation refers to the individual's capacity to maintain a coherent sense of self while remaining emotionally connected to others (Willis et al., 2021). Individuals with higher differentiation are better able to regulate emotional reactivity, tolerate intimacy without fusion, and manage conflict constructively. Cross-cultural studies show that low differentiation is associated with heightened anxiety, maladaptive conflict patterns, and poorer relationship quality (Dolz-del-Castellar & Oliver, 2021; Yuan et al., 2022). Research in Iranian samples further indicates that lower differentiation predicts higher levels of domestic violence, whereas strengthening differentiation contributes to healthier marital functioning (Haji et al., 2018; Jafarzadeh et al., 2020).

Psychological stress represents an important pathway through which relational risk and protective factors may influence IPV. Stress, conceptualized as a multidimensional psychological and physiological response to perceived demands, undermines emotional regulation and problem-solving capacities (Bhurtun, 2020). Relationship research consistently shows that chronic stress is negatively associated with relationship satisfaction and positively associated with conflict escalation and aggression (Randall & Bodenmann, 2017). External stressors, such as occupational or economic pressures, often spill over into family interactions, intensifying relational strain and increasing the likelihood of violent responses (Repetti & Wang, 2017). Moreover, vulnerability to stress is shaped by early life experiences and individual regulatory capacities, which may heighten susceptibility to aggressive behaviors in adulthood (Lähdepuro et al., 2019).

In parallel, spiritual well-being has been identified as a significant resilience factor in marital and family relationships. Spiritual well-being encompasses a sense of meaning, purpose, connectedness, and inner peace, extending beyond formal religiosity to broader existential resources (Aghili & Zahedi, 2020). Empirical evidence suggests that higher spiritual well-being is associated with marital satisfaction, psychological hardiness, and adaptive coping, and may buffer the adverse effects of stress and conflict (Rajabi et al., 2017; Seifi & Taghavi, 2019). Recent international studies further demonstrate that spirituality and shared religious or spiritual practices can enhance relationship quality across diverse cultural and interfaith contexts (Bedir Akpınarlı & Eryücel, 2024; Provencio & McElroy-Heltzel, 2024; Williamson, 2024). Importantly, controlling behaviors may erode spiritual well-being by undermining autonomy, trust, and meaning, whereas higher differentiation appears to support spiritual growth and existential coherence (Rafezi & Sabouri, 2022; Sarhani & Homaei, 2023).

Despite a growing body of literature on each of these constructs, prior research has largely examined controlling behaviors, self-differentiation, psychological stress, and spiritual well-being in isolation or in limited combinations. Few studies have integrated these variables into a comprehensive causal model explaining spousal violence. Addressing this gap, the present study proposed and tested a structural model in

which controlling behaviors and self-differentiation predict spousal violence directly and indirectly through psychological stress and spiritual well-being.

### Methods and Materials

This study employed a descriptive–correlational design using structural equation modeling. The population comprised women experiencing domestic violence who referred to social emergency services and counseling centers in Tabriz during the first half of 2023. Using purposive random sampling and predefined inclusion and exclusion criteria, 240 participants were selected. Data were collected using standardized self-report instruments assessing spousal violence, controlling behaviors, self-differentiation, psychological stress, and spiritual well-being. Statistical analyses were conducted with SPSS for descriptive statistics and correlations, and LISREL for structural equation modeling and model fit assessment.

### Findings

Correlation analyses indicated that controlling behaviors were positively and significantly associated with spousal violence, whereas self-differentiation and spiritual well-being were negatively associated with spousal violence. Psychological stress showed a strong positive association with spousal violence. Structural equation modeling demonstrated that controlling behaviors had a significant direct positive effect on spousal violence ( $\beta=0.374$ ,  $p<0.05$ ), while self-differentiation had a significant direct negative effect ( $\beta=-0.421$ ,  $p<0.05$ ). Controlling behaviors exerted a significant indirect positive effect on spousal violence through psychological stress ( $\beta=0.496$ ,  $p<0.05$ ) and a significant indirect negative effect through spiritual well-being ( $\beta=-0.508$ ,  $p<0.05$ ). Self-differentiation showed significant indirect negative effects on spousal violence via psychological stress ( $\beta=-0.611$ ,  $p<0.05$ ) and spiritual well-being ( $\beta=-0.578$ ,  $p<0.05$ ). Overall model fit indices indicated a good fit to the data (CFI=0.926, RMSEA=0.043).

### Discussion and Conclusion

The findings support a multifactorial explanation of spousal violence in which behavioral power dynamics, intrapersonal capacities, stress processes, and spiritual resources interact in complex ways. Controlling behaviors emerged as a salient risk factor, both directly intensifying violence and indirectly amplifying it by increasing psychological stress and undermining spiritual well-being. In contrast, self-differentiation functioned as a protective factor, reducing violence directly and through its stress-buffering and spiritually supportive effects. Psychological stress acted as a key mechanism translating relational risk into aggressive outcomes, while spiritual well-being served as a resilience pathway that mitigated these effects.

Taken together, the results suggest that spousal violence cannot be adequately understood through single-factor explanations. Effective prevention and intervention require integrative approaches that simultaneously address coercive control, enhance self-differentiation, reduce psychological stress, and strengthen spiritual and existential resources within couples. Such comprehensive models provide a more nuanced understanding of IPV and offer valuable guidance for clinical practice, couple therapy, and family counseling programs aimed at reducing violence and promoting relational health.

فهرست منابع

### References

- Aghili, S., & Zahedi, A. (2020). Investigating the Relationship Between Spiritual Well-being, Optimism, and Couples' Personality Traits. *Family Pathology*, 6(1), 1-22. <https://fpcej.ir/article-1-258-en.html>
- Aslani, K., Khodadadi Andarieh, F., Amanollahi, A., Rajabi, G., & Stith, S. (2019). The Effectiveness of Domestic Violence Focused Couple Therapy on Violence Against Women. *Family Counseling and Psychotherapy*, 9(2), 213-232. [https://fcp.uok.ac.ir/article\\_61447.html?lang=en](https://fcp.uok.ac.ir/article_61447.html?lang=en)

- Baucom, D. H., Fischer, M. S., Corrie, S., Worrell, M., & Boeding, S. E. (2019). *Treating relationship distress and psychopathology in couples: A cognitive-behavioural approach*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315626413>
- Bedir Akpınarlı, B., & Eryücel, S. (2024). Marital adjustment, spiritual well being, and locus of control in married couples. *Religions*, 15(11), 1376. <https://doi.org/10.3390/rel15111376>
- Bhurtun, H. (2020). *Stress and coping strategies among Finnish nursing students in the clinical learning environment* [Doctoral dissertation, Itä-Suomen yliopisto].
- Bishop, C., & Bettinson, V. (2018). Evidencing domestic violence, including behaviour that falls under the new offence of 'controlling or coercive behaviour'. *The International Journal of Evidence & Proof*, 22(1), 3-29. <https://doi.org/10.1177/1365712717725535>
- Bravo, C. S., & Silva, R. M. H. (2018). La satisfacción marital y el manejo del poder en la pareja: prevención para la salud. *Revista Argentina de Clínica Psicológica*, 27(1), 72-82. <https://doi.org/10.24205/03276716.2017.1048>
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., & Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*, 18(1), 4-16. <https://doi.org/10.1002/adsp.12065>
- Dahaei, S., Aghayousefi, A., & Farghadani, A. (2020). The Effectiveness of Self-Differentiation Therapy Based on Bowen's Family Systems Theory on Marital Commitment. *Journal of Police Medicine*, 10(1), 63-70. <https://jpm.edu.ir/article-1-883-en.html>
- Dolz-del-Castellar, B., & Oliver, J. (2021). Relationship between family functioning, differentiation of self and anxiety in Spanish young adults. *PLoS One*, 16(3), e0246875. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0246875>
- Gou, L. H., Duerksen, K. N., & Woodin, E. M. (2019). Coercive control during the transition to parenthood: An overlooked factor in intimate partner violence and family wellbeing? *Aggressive Behavior*, 45(2), 139-150. <https://doi.org/10.1002/ab.21803>
- Haji, B., Rahimzadeh, S., Mohammadi, M., & Haji, M. (2018). *Investigating the Effect of Differentiation and Attachment Styles on Violence Against Women* The First National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Tehran. <https://en.civilica.com/doc/783615/>
- Hammett, J. F., Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2021). Intimate partner aggression and marital satisfaction: a cross-lagged panel analysis. *Journal of interpersonal violence*, 36(3-4), NP1463-NP1481. <https://doi.org/10.1177/0886260517747607>
- Hayati, A., Handari, S., Awaliah, F. K., Azizah, A. R., & Kurniad, I. B. A. (2025). Are Resilience, and Spirituality Related to Marital Peace? Explorations in Silver Age Couples. *Edu Consilium Jurnal Bimbingan Dan Konseling Pendidikan Islam*, 6(1), 1-14. <https://doi.org/10.19105/ec.v6i1.17189>
- Işık, E., Özbiler, Ş., Schweer-Collins, M. L., & Rodríguez-González, M. (2020). Differentiation of self predicts life satisfaction through marital adjustment. *The American Journal of Family Therapy*, 48(3), 235-249. <https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1732248>
- Jafarzadeh, T., Soleimaniyan, A., & Mohammadipour, M. (2020). Predicting Domestic Violence Based on Family Functioning and Level of Self-Differentiation. *Educational Research Journal*, 16(65), 167-186. [https://journals.iau.ir/article\\_678719.html?lang=en](https://journals.iau.ir/article_678719.html?lang=en)
- Jo, M., & Lee, S. (2025). The Effects of Self-Differentiation on Newly-Wedded Couples' Marital Satisfaction: The Moderated Mediating Effect of Conflict Management Style According to Gender. *Korean Assoc Learner-Centered Curric Instr*, 25(12), 573-590. <https://doi.org/10.22251/jlcci.2025.25.12.573>
- Jud, A., Grafe, B., Meshkova, K., Kavemann, B., Meysen, T., Hoffmann, U., Ziegenhain, U., & Fegert, J. (2023). Prevalence and predictors of affirmations of intimate partner violence in Germany: a first nationwide study on victimization in women and men. *Journal of interpersonal violence*, 38(1-2), 1473-1493. <https://doi.org/10.1177/08862605221092066>
- Kim, S., & Woo, S. (2025). Indirect Effects of Self-Differentiation and Mentalization on Family of Origin Health and Marital Satisfaction Among Korean Adults. *Journal of marital and family therapy*, 51(1), e12756. <https://doi.org/10.1111/jmft.12756>
- Kiyadarbandsari, Z., Mirzahosseini, H., & Zargham Hajiabi, M. (2021). The Effectiveness of Emotionally Focused Couple Relationship Enrichment Training on Controlling Behaviors. *Applied Family Therapy*, 3(2), 230-245. <https://doi.org/10.61838/kman.ajt.3.2.11>
- Lähdepuro, A., Savolainen, K., Lahti-Pulkkinen, M., Eriksson, J. G., Lahti, J., Tuovinen, S. K. E., Pesonen, A. K., Heinonen, K., & Räikkönen, K. (2019). The impact of early life stress on anxiety symptoms in late adulthood. *Scientific reports*, 9(1), 4395. <https://doi.org/10.1038/s41598-019-40698-0>
- Mabelian, A., Diyarian, M., & Vasefi, Z. (2021). Predicting Marital Relationship Quality Based on Personality Traits, Glasser's Needs, and Self-Acceptance. *Applied Psychology Quarterly*, 15(4), 207-232. <https://doi.org/10.52547/apsy.2021.216020.0>

- Mortezaei, N., & Rezazadeh, M. (2020). The Mediating Role of Marital Commitment in the Relationship Between Perception of Fairness and Marital Satisfaction. *Applied Psychological Research*, 11(4), 281-292. [https://japr.ut.ac.ir/article\\_79954.html?lang=en](https://japr.ut.ac.ir/article_79954.html?lang=en)
- Nurhayati, S. R., Faturochman, F., & Helmi, A. F. (2019). Marital quality: A conceptual review. *Buletin Psikologi*, 27(2), 109-124. <https://doi.org/10.22146/buletinpsikologi.37691>
- Pourrajab Ravari, A., & Kamiabi, M. (2017). *Investigating the Relationship Between Controlling Behaviors and Marital Instability Among Female Teachers in Kerman City Vocational Schools* The Third Conference on Research in Educational Sciences, Psychology and Social Sciences, Tehran. <https://en.civilica.com/doc/751672/> <https://en.civilica.com/doc/751672/>
- Provencio, A., & McElroy-Heltzel, S. E. (2024). The Roles of Spiritual Fortitude and Religious Orientation in Relationship Quality for Interfaith Couples. *Journal of Psychology and Theology*. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/00916471241269030>
- Rafezi, Z., & Sabouri, R. (2022). The Role of Self-Differentiation Components in Predicting Marital Intimacy in Couples. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(51), 182-205. [https://qccpc.atu.ac.ir/article\\_14237.html](https://qccpc.atu.ac.ir/article_14237.html)
- Rajabi, S., Alimoradi, K., & Moradi, N. (2017). The Structural Relationship of Spiritual Well-being and Marital Satisfaction with the Mediating Role of Emotional Intelligence and Self-Differentiation. *Scientific Quarterly of Psychological Methods and Models*, 8(28), 19-48. <https://www.sid.ir/paper/227550/en>
- Ramadhina, F., Wardani, R., & Rohinsa, M. (2023). Spirituality and Marital Satisfaction as Predictors of Subjective Happiness in Married Couples. <https://doi.org/10.4108/eai.15-9-2022.2335887>
- Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2017). Stress and its associations with relationship satisfaction. *Current opinion in psychology*, 13, 96-106. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.05.010>
- Repetti, R., & Wang, S. W. (2017). Effects of job stress on family relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 15-18. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.03.010>
- Saffari, M., Arslan, S. A., Yekaninejad, M. S., Pakpour, A. H., Zaben, F. A., & Koenig, H. G. (2017). Factors associated with domestic violence against women in Iran: An exploratory multicenter community-based study. *Journal of interpersonal violence*, 0886260517713224. <https://doi.org/10.1177/0886260517713224>
- Samimi, Z., Ramesh, S., Afzoon, J., & Kazemi Rezaei, A. (2017). The Effectiveness of Emotional Working Memory Training on Improving Adolescents' Memory. *Quarterly of Cognitive Psychology*, 5(1), 61-70. <https://jcp.khu.ac.ir/article-1-2581-en.html>
- Sarhani, Z., & Homaei, R. (2023). Association Between Marital Infidelity Based on Fear of Intimacy and Self-Differentiation Through the Mediating Role of Sexual Satisfaction in Women With Marital Conflict. *Archives of Hygiene Sciences*, 12(1), 50-55. <https://doi.org/10.34172/ahs.12.1.1.386>
- Scott, H. S. (2018). Extending the Duluth model to workplace bullying: A modification and adaptation of the workplace power-control wheel. *Workplace Health & Safety*, 66(9), 444-452. <https://doi.org/10.1177/2165079917750934>
- Seifi, Y., & Taghavi, M. (2019). The Relationship Between Spiritual Well-being and Marital Satisfaction: The Mediating Role of Psychological Hardiness. *Contemporary psychology*, 14(1), 31-41. <https://doi.org/10.29252/bjcp.14.1.31>
- Shariat, A., Ghazanfari, A., Yarmohammadian, A., Solati, K., & Cheraami, M. (2021). Comparing the Effectiveness of Logotherapy and Positive Psychotherapy on Differentiation. *Caspian Journal of Health and Aging*, 6(1), 74-86. <https://cjhaa.mubabol.ac.ir/article-1-154-en.html>
- Sleath, E., Walker, K., & Tramontano, C. (2018). Factor structure and validation of the controlling behaviors scale-revised and revised conflict tactics scale. *Journal of Family Issues*, 39(7), 1880-1903. <https://doi.org/10.1177/0192513X17729721>
- Stark, E., & Hester, M. (2019). Coercive control: Update and review. *Violence Against Women*, 25(1), 81-104. <https://doi.org/10.1177/1077801218816191>
- Williamson, I. (2024). The Associations Between Adverse Childhood Experiences, Shared Religious/Spiritual Practices, and Relationship Satisfaction in Couple Therapy. *Pastoral Psychology*. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/jmft.12761>
- Willis, K., Miller, R. B., Yorgason, J., & Dyer, J. (2021). Was bowen correct? The relationship between differentiation and triangulation. *Contemporary Family Therapy*, 43, 1-11. <https://doi.org/10.1007/s10591-020-09557-3>
- World Health Organization. (2019). *Violence against women: intimate partner and sexual violence against women: evidence brief* [No. WHO/RHR/19.16]. <https://www.who.int/publications/i/item/WHO-RHR-19.16>
- Yuan, Q., Fan, Z., & Leng, J. (2022). The effect of emotional reactivity on marital quality in Chinese Couples: the mediating role of perceived partner responsiveness. *Frontiers in psychology*, 12, 787899. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.787899>